

تحلیل الگوی فضایی توزیع شرکت‌های دانش‌بنیان مطالعه‌ی موردی: کلان‌شهر تهران

مظفر صرافى^۱، علیرضا محمدی^۲

۱. دانشیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، تهران، ایران

پذیرش: ۹۵/۳/۱۰

دریافت: ۹۴/۸/۹

چکیده

طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۴، موج جدید اقتصاد اطلاعاتی و دانش‌بنیان، به شکل‌گیری شرکت‌های دانش‌بنیان در جغرافیای کلان‌شهر تهران انجامیده است؛ اما مسئله این است که مکان‌گزینی این شرکت‌ها، اغلب تابع قوانین بازار آزاد بوده و از چارچوب‌ها، هنجارها و اسلوب برنامه‌ریزی فضایی پیروی نکرده است؛ از این‌رو، بررسی و تحلیل فضایی این پدیده‌ی نوظهور به‌منظور ارائه‌ی سیاست‌های برنامه‌ریزی فضایی ضروری به‌نظر می‌رسد. هدف اصلی این پژوهش، شناخت الگوهای فضایی توزیع شرکت‌های دانش‌بنیان و ارتباط فضایی آن‌ها با مؤلفه‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی، زیرساختی و آموزشی و پژوهشی در کلان‌شهر تهران است. در این پژوهش، داده‌های بیش از نهصدوسی شرکت ثبت‌شده تا پایان سال ۱۳۹۴ در محیط GIS پیاده شده و با استفاده از روش‌های آمار فضایی تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوی فضایی پراکنش شرکت‌های دانش‌بنیان تهران از نوع خوشه‌ای است و ارتباط عمیقی بین زیرساخت‌های پایه، همانند خدمات حمل‌ونقل و نیز عناصر آموزش و پژوهش عالی وجود دارد. در پایان پیشنهاداتی بر مبنای یافته‌های پژوهش مطرح شده‌اند.

واژگان کلیدی: جهانی‌شدن، اقتصاد دانش‌بنیان، شرکت دانش‌بنیان، کلان‌شهر تهران، تحلیل فضایی.

Email: a.mohammadi@uma.ac.ir

✉ نویسنده‌ی مسئول مقاله:



1. مقدمه

انقلاب اطلاعاتى و اقتصاد پساפורديستى، كه از آن به اقتصاد اطلاعاتى¹ يا دانش‌محور² نيز ياد مى‌شود، سبب تغييرات فضايى شهرها و به‌ويژه كلان‌شهرها شده است (صرافى، 1379: 165). اقتصاد اطلاعاتى به تعبير كستلز (1966)، حتى شهرهاى بنان‌شده برپايه نظام سرمايه‌دارى را با دگرگونى ساختارى مواجه ساخته است (Rocco, 2006: 5). از نمونه‌هاى عيني اين تغييرات، ظهور و انباشت خدمات پيشرفته و دانش‌بنيان و نوآورانه در شهرها بوده است (Lim, 2003: 100). شهر تهران نيز به‌عنوان بزرگ‌ترين كانون توليد و مصرف در ايران (Madanipour, 1998, 1999: 57) از اين تأثير به‌دور نبوده است. تهران طى سال‌هاى 1380-1395 با تغييرات كاركردى-ساختارى روبه‌رو بوده است. تهران در سال 1390 حدود 8/500/000 تن جمعيت (معادل 10,5% از كل جمعيت ايران) داشته است و بدون احتساب درآمدهاى نفتى، حدود 30% از توليد ناخالص ملى (GNP) را به خود اختصاص داده است (آخوندى و همكاران، 1386: 13). با گذار از دوره‌ى صنعتى‌شدن كه از دهه‌ى 1300 شروع شده بود (Madanipour, 1999: 58)، تهران با اتكا به منابع قدرت و تمرکز ثروت ملى، به‌سرعت وارد اقتصاد بخش خدمات شد. به‌طورى كه در سال 1390 بخش خدمات، 78% از اقتصاد آن را تشكيل مى‌داد (شهردارى تهران، 1392). از دهه‌ى 1380 به اين سو، پديده‌ى اقتصادى نوينى در جغرافياى كلان‌شهر شكل گرفت و آن عبارت از ظهور بخش خدمات پيشرفته‌ى پشتيبان توليد³ و تمرکز آن در «كانون خدمات شركتى كلان‌شهر تهران» بود (صرافى، محمدى، توكلينى، 1390). در ادامه به‌دنبال تصويب قانون تشكيل و حمايت از شركت‌هاى دانش‌بنيان⁴ توسط مجلس شوراى اسلامى در سال 1389، طى سال‌هاى 1390-1394، موج جديدى از پديده‌هاى اقتصادى دانش‌بنيان در فضايى آشفته و بدون برنامه‌ريزى فضايى شكل گرفت؛ به‌طورى كه تا سال 1394، حدود هزار شركت دانش‌بنيان از مجموع حدود 1500 شركت تأسيس‌شده در كشور، در جغرافياى شهر تهران ظهور يافته‌اند. از اين تعداد، حدود 930 شركت تا آغاز نيمه‌ى دوم سال 1394 در تهران مورد تأييد كارگروه ارزىابى شركت‌هاى دانش‌بنيان بوده و مشمول قوانين حمايتى بوده‌اند (كارگروه ارزىابى صلاحيت شركت‌هاى دانش‌بنيان،

1. Informational Economy

2. Knowledge Economy

3. Advanced Producer Services

4. Knowledge Intensive Firms "KIFS"

(1394). چنین برآورد شده است که تا افق 1404 بیش از بیست‌هزار شرکت دیگر در شهرهای کشور تأسیس شوند. این درحالی است که هیچ‌نوع برنامه و اندیشه‌ای درخصوص برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر اقتصاد اطلاعاتی و دانش‌بنیان وجود ندارد؛ از این‌رو، بسیار مهم است که از دیدگاه جغرافیایی وضعیت پراکنش فضایی و ارتباط آن با مؤلفه‌های پژوهش‌شناسایی و تحلیل شود تا بتوان راهبردهای فضایی متناسب با فضای اقتصادی شرکتی دانش‌بنیان را مطرح کرد. تلاش این پژوهش پاسخ به این پرسش‌هاست: 1. وضعیت مناطق 22 گانه‌ی شهر تهران از نظر تراکم و توزیع شرکت‌های دانش‌بنیان چگونه است. 2. از بین سه الگوی غالب تصادفی، خوشه‌ای و همگن، پراکنش فضایی شرکت‌های دانش‌بنیان تهران از کدام الگو تبعیت کرده است. 3. چه رابطه‌ای بین متغیرهای اجتماعی (تراکم جمعیت)، اقتصادی (قیمت‌زمین)، زیرساختی (حمل‌ونقل)، کاربری زمین و عناصر شاخص شهر به‌خصوص مراکز آموزشی، پژوهشی و مؤسسات و نهادهای مهم دولتی با پراکنش و الگوی فضایی شرکت‌های دانش‌بنیان وجود دارد.

از آنجایی که تهران وارد اقتصاد خدماتی پیشرفته شده است و این روند بعد از توافق کشورهای غربی برای برداشتن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران با احتمال رشد همراه است، بنابراین چاره‌اندیشی در این خصوص ضروری است؛ از این‌رو، هدف اصلی این پژوهش شناخت الگوی فضایی استقرار شرکت‌های دانش‌بنیان و سپس درک رابطه‌ی آن‌ها با مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیرساختی، کاربری زمین و مراکز و مؤسسات علمی و پژوهشی است. مقاله در پنج بخش مقدمه، مبانی نظری، روش، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری تهیه شده است.

2. چارچوب نظری

خدمات دانش‌بنیان¹

خدمات دانش‌بنیان دربرگیرنده‌ی فعالیت‌ها و خدمات گسترده‌ای شامل خدمات حقوقی، بازاریابی، مشاوره، مهندسی، فنی، اطلاعات و ارتباطات، الکترونیک و سایر خدمات نوآورانه است (Mas-Verdu et al., 2011) که کاربرد و نقش بسیار مهمی در توسعه‌ی اقتصادی دارد (Puig et al, 2012: 1414). در ایران، این خدمات شامل فناوری‌های زیستی، نانو،

1. Knowledge Intensive Services "KIS"



اپتیک و فوتونیک، محصولات شیمیایی، الکترونیک، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و رایانه، مهندسی پزشکی و داروسازی، هوافضا و انرژی دسته‌بندی شده‌اند (کارگروه ارزیابی و تشخیص شرکت‌ها، 1393). تولید و تمرکز خدمات دانش‌بنیان (ک.ی.س) از ویژگی‌های اصلی اقتصاد پساوردیستی در شهرهاست (Sassen: 2001). می‌توان به این فهرست خدمات تحقیق و توسعه، خدمات مالی، خدمات تجاری، فرهنگی، ورزشی، خدمات بیمه و تفریحی را اضافه کرد (Schricke, 2013:9).

شرکت دانش‌بنیان¹

«شرکت دانش‌بنیان»، شرکت یا مؤسسه‌ای خصوصی و یا تعاونی است که به‌منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه‌ی اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه‌ی فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده‌ی فراوان به‌ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوط تشکیل می‌شود. هدف اصلی آن‌ها مدیریت تولید صنایع و خدمات پیشرفته است (مجلس شورای اسلامی، 1389).

خوشه‌ای شدن

خوشه تجمع مکانی نهادهای اقتصادی در یک فضای جغرافیایی است که در طی آن امکان برقراری ارتباط شبکه‌ای و فضایی برای شرکت‌ها فراهم می‌شود. خوشه‌ای شدن امکان ایجاد روابط پویا و غیرسلسله‌مراتبی را برای شرکت‌ها فراهم می‌کند (Kuah, 2002: 225). خوشه‌ای شدن به کاهش هزینه‌ها، دسترسی به عوامل و زیرساخت‌های تولید، افزایش رقابت‌پذیری و نوآوری، دسترسی به نیروی انسانی حرفه‌ای، ایجاد روابط شبکه‌ای، ایجاد قلمرو جغرافیایی تعریف‌شده برای مشتریان و دسترسی به تسهیلات مشترک، کمک می‌کند (Hansen and Clasen, 2010: 40-41). برنر² (2004: 63) بر نقش دانشگاه‌ها، مراکز علمی و پژوهشی در خوشه‌ای شدن شرکت‌های دانش‌بنیان (KIFs) تأکید می‌کند.

1. Knowledge Intensive Firms "KIFS"

2. Berner

مکان‌گزینی شرکت‌های دانش‌بنیان

در تئوری‌های مکانی گذشته در تحلیل الگوهای فضایی فعالیت‌های اقتصادی، به ارتباط بین مکان و کارکردهای صنعتی و کارخانه‌ای بزرگ مقیاس در سطح [ملی] و منطقه‌ای (Hualachain & Leslie, 2007: 1581)، نقش عرضه خدمات و کالاها توسط شرکت‌ها و تولیدکنندگان (Young, 2000: 733)، حمل‌ونقل، فاصله و خوشه‌ای شدن برای کاهش هزینه‌ها و نیز صرفه‌های ناشی از مقیاس توجه می‌شد (Kantola, 2007: 4-8)؛ اما در حال حاضر شرایط برای تحلیل رفتار و الگوی فضایی نهادهای اقتصادی پیچیده‌تر شده است. در مقیاس کلان، دسترسی به بازارهای بین‌المللی و در مقیاس خردتر دسترسی به بازارهای ملی از مهم‌ترین عوامل در الگوی رفتاری خدمات پیشرفته و دانش‌بنیان محسوب می‌شوند (Shearmur & Doloreux, 2008: 18). این خدمات از سلسله‌مراتب شهری، دسترسی به مشتری و بازار، مرکزیت بازارها، و تخصص و مهارت کارکنان برای مکان‌گزینی خود تبعیت می‌کنند (Ferguson, 1997: 108-111. Shearmur & Doloreux, ibid: 19-20). به این موارد باید قیمت زمین و دسترسی به بازار (مشتری) را نیز اضافه نمود (Mota & Brandao, 2005: 12). مولارت¹ و گلوچ² (1993) معتقدند که مکان‌گزینی خدمات پیشرفته و از جمله خدمات دانش‌بنیان تا حد زیادی به ارتباط شبکه‌ای بین آن‌ها بستگی دارد (Moulaert & Gallouj, 1993: 104) مکان‌گزینی آن‌ها از: 1. نوع خدمات؛ 2. پویایی فضایی و بخشی بازارهای مشتری؛ 3. جایگاه ملی یا منطقه‌ای خدمات تبعیت می‌کنند (Moulaert & Gallouj, 1995: 151-152). از سوی دیگر وجود زیرساخت‌ها و تسهیلات لازم پیشرفته نقش عمده‌ای در رفتار مکانی آن‌ها دارد (Pereira & Derudder, 2008). دسترسی به سایر خدمات APS (Davis & Henderson, 2004)، کاهش هزینه‌های نیروی کار از طریق نزدیک شدن به CBD شهر (Hualachain & Leslie, 2007: 1581 & 1598)، مجاورت با سایر شرکت‌ها برای افزایش بهره‌وری (Hualachain & Ieslie, 2004, Davis & Henderson, 1582) نیز می‌تواند نقش مهمی داشته باشد. در ادامه، تقاضای بازار برای خدمات، دسترسی به مشتریان از طریق روابط چهره‌به‌چهره و کیفیت بالای محیطی (Hualachain & Leslie, ibid: 1583)، و شکل کالبدی شهرها (Rocco, 2006, p.6)، دسترسی به مشتریان محلی، صرفه‌های در تجمع، دسترسی به محل اجتماع

1. Moulaert

2. Gallouj



نیروی کار متخصص و بازار مشتریان، (Ryan, 2003: 31)، استفاده از (Lindahl & IT) Beyers, 1999:19. Young, 2000: 742-743) در الگوی مکانی خدمات پیشرفته مؤثر خواهند بود. نزدیکی و رابطه با مکان فعالیت‌های تولیدی و صادراتی کالا و خدمات (Andersson, 2006:1 . Jacobs & Koster & Hall, 2010: Conclusions, کاهش هزینه‌ها و سرعت در خدمات‌رسانی (Coffey & Bailly, 1991: 109) کسب سود بیشتر ناشی از تجمع و مجاورت (Goe, 1990) و استقرار در مناطق راهبردی کلانشهری مهم (Shearmur & Doloreux, ibid: 2-5) از عواملی هستند که در مکان‌گزینی و رفتار فضایی شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات دانش‌بنیان مهم تلقی می‌شوند. دانیلز¹ (1985) معتقد است در «مدل چند هسته‌ای شدن شهری»، اغلب خدمات پیشرفته به سمت محلات نوین و گسترش می‌یابند؛ لیکن مراکز اصلی آن‌ها همچنان در مراکز اصلی شهر و «CBD» باقی می‌مانند. به نظر ایلریس² (1996)، با گسترش فناوری اطلاعات، محدودیت‌های مکانی در گزینش مکان از بین می‌رود. برخی از پژوهشگران معیارهایی همانند دوره‌ی زندگی شرکت‌ها، برخورد‌های اولیه، ویژگی‌های مکان و ساختمان، قراردادهای پیمان‌کاری جزء، شرایط اقتصادی، تاریخی و فرهنگی نواحی شهری را در انتخاب و استقرار شرکت‌ها مهم تلقی می‌کنند (Aranya, 2005: 4-8). همچنین تجمع پیشرفته‌ترین شبکه‌ها و زیرساخت‌های آی.سی.تی³ در کلانشهر، خدمات پیشرفته و دانش‌بنیان را در دسترس مشتریان در جغرافیایی گسترده قرار می‌دهد (صرافی، 1380: 392). به نظر لیم (2003)، انباشت و خوشه‌ای شدن شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند به دلیل ایجاد ارتباط شبکه‌ای و کاستن از مشکلات و پیچیدگی‌های فعالیت در این بخش باشد. به نظر لوندوال⁴ (1988) یک دلیل مهم برای ایجاد شبکه‌ها و خوشه‌های محلی در شرکت‌های دانش‌بنیان، استفاده‌ی آن‌ها از تجارب و دانش یکدیگر برای حل مشکلات در فناوری‌های مشابه و دسترسی به خدماتی است که برخی از شرکت‌ها به یکدیگر ارائه می‌دهند. همچنین شرکت‌های دانش‌بنیان تلاش می‌کنند تا به دانشگاه‌ها و مراکز مهم پژوهشی در حوزه‌ی صنایع و خدمات پیشرفته نزدیک‌تر باشند (Lim, 2003: 100).

1. Daniels

2. Illeris

3. Information And Communication Technologies

4. Lindahl

پویگ¹ و همکاران (2012) در پژوهش خود درخصوص شرکت‌های دانش‌بنیان، به این نتیجه رسیدند که عامل انباشتگی و خوشه‌ای شدن و مجاورت جغرافیایی از مهم‌ترین الگوهای فضایی شرکت‌های دانش‌بنیان در شهرهاست. لیم² (2003)، در بررسی الگوی فضایی خدمات پیشرفته در کلانشهرها، به این نتیجه رسید که بین توزیع فضایی این خدمات با سطح برخورداری شهر از تسهیلات و زیرساخت‌های موردنیاز شرکت‌های دانش‌بنیان رابطه وجود دارد. هوئی و هوئیو³ (2015) در پژوهش خود در تایوان به این نتیجه رسیدند که خوشه‌ای شدن و انباشتگی⁴ شرکت‌های دانش‌بنیان به هم‌افزایی و تسهیل فرایند تولید یک خدمت می‌انجامد و شبکه‌ای از روابط، به اشتراک‌گذاری دانش و فناوری و تجاری‌سازی خدمات از طریق تشریک مساعی را ایجاد می‌کند. همچنین نتایج مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که کیفیت محیطی در تمرکز جغرافیایی شرکت‌ها نقش محوری دارد. لوپز و پائز⁵ (2014) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که عوامل زیرساختی همانند شبکه‌ی ارتباطی و دسترسی، نقش مهمی در مکان‌گزینی شرکت‌های دانش‌بنیان دارند. باپتیستا و مندونجا⁶ (2010)، معتقدند که خدمات و صنایع دانش‌بنیان اغلب در مرکز شهرها و درجایی گردهم می‌آیند که به زیرساخت‌های فناوری پیشرفته دسترسی هست. برینخوف⁷ در پژوهش خود به این نتیجه رسید که شرکت‌های خدمات‌رسانی پیشرفته و دانش‌بنیان از نظر الگوی فضایی، همپوشانی⁸ دارند. لیپراس و استفان⁹ (2008) خوشه‌ای شدن و تمرکز جغرافیایی در افزایش همکاری و نوآوری شرکت‌ها را مؤثر دانسته‌اند. پژوهش آن‌ها نشان داد که نزدیکی به مؤسسات آموزشی و پژوهشی و شرکای محلی، نقش مهمی در نوآوری و خدمات‌رسانی دارد. محمدی، صرافی، و توکلی‌نیا (1391)، در پژوهش خود درباره‌ی خدمات پیشرفته‌ی¹⁰ تهران به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های ارائه‌دهنده‌ی این خدمات، در مرکز اقتصادی جدید شهرها و درجایی که کانون خدمات شرکتی نامیده می‌شود، مستقر می‌شوند. این کانون جدای از CBD سنتی شهر شکل می‌گیرد. برخی از

1. Puig Et Al
2. Lim
3. Hui And Hsiu
4. Agglomeration
5. López And Páez
6. Baptista And Mendonça
7. Brinkhoff
8. Overlapping
9. Lejpras And Stephan
10. Advanced Producer Services

مهم‌ترين معيارهايى كه در انتخاب مكان شركت‌هاى خدمات‌رسانى پيشرفته و دانش‌بنيان در شهرهاى مختلف جهان تأثير داشته‌اند به شرح جدول 1 فهرست شده‌اند:

جدول 1. مهم‌ترين معيارهاى مؤثر بر مكان‌گزى شركت‌هاى خدمات‌رسانى پيشرفته و دانش‌بنيان

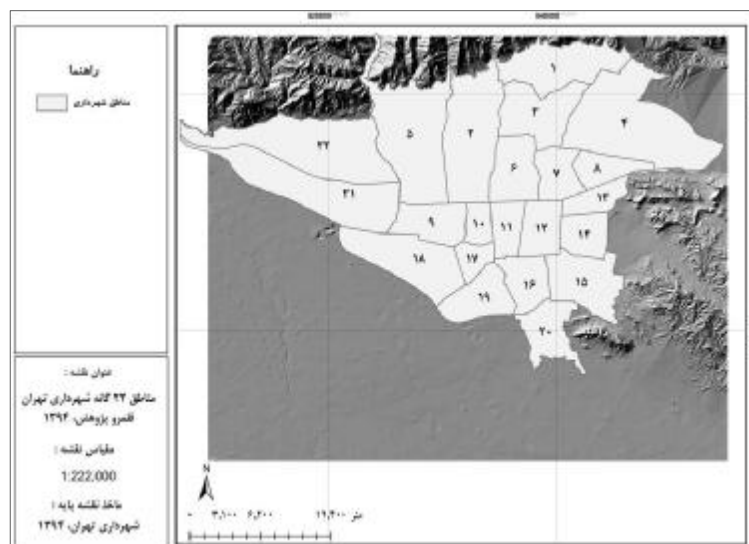
مؤلفه‌ى محيطى، مكانى و زيرساختى	مؤلفه‌ى اقتصادى	مؤلفه‌ى اجتماعى و عمومى
دسترسى به زيرساخت‌هاى پايه	دسترسى به بازار و مشترى خدمات	ميزان نياز شركت به برخوردهاى چهره به چهره
مجاورت يا دورى از ساير شركت‌ها	وجود شركت‌هاى توليدى	اندازه (تعداد شاغلان) شركت
ميزان برخوردارى و استفاده از IT	امكان دسترسی به نيروى كار متخصص	سال شروع فعاليت
ميزان فاصله از CBD	تقاضاى بازار/ مشترى	قوانين و مقررات
محيط جغرافيايى	صرفه‌هاى در مقياس	ويژگى فضاى انتخاب‌شده (اجتماعى، اقتصادى، فضايى)
دسترسى به كاربري‌هاى خاص مانند پژوهشى	قدرت رقابتى و شهرت شركت‌ها	سياست و اهداف شركت‌ها
	نوع خدماتى كه توسط شركت ارائه مى‌شود	استفاده از خدمات شهرى/ محلى
	منبع سرمايه‌گذارى شركت	دسترسى به فرصت‌هاى پژوهش و توسعه
	قيمت زمين و اجاره‌بهاى تجارى/ ادارى و ماليات	تغييرات سازمانى و ساختارى در اندازه و نوع كار شركت‌ها
	اندازه‌ى شركت و توليدكننده (مشترى) (تعداد شاغلان)	
	مرکز بودن يا شعبه بودن شركت (اصلى/ فرعى)	

مأخذ: محمدى، 1392: 137

3. مواد و روش‌ها

3-1. قلمرو و روش گردآوری داده‌ها

قلمرو جغرافیایی پژوهش کلانشهر تهران در 51 درجه و 6 دقیقه تا 51 درجه و 38 دقیقه‌ی طول شرقی و 35 درجه و 34 دقیقه تا 35 درجه و 51 دقیقه‌ی عرض شمالی قرار گرفته است (شکل 1). کلانشهر تهران 22 منطقه‌ی شهرداری، 430 کیلومترمربع مساحت و 8500 هزار نفر دارد (برآورد مرکز آمار ایران، 1390). علت انتخاب این شهر برای بررسی موضوع پژوهش، نقش پیشتاز آن در اقتصاد فراملی و وجود داده‌های مربوط به شرکت‌های دانش‌بنیان بوده است. جامعه‌ی آمار این پژوهش کل شرکت‌های دانش‌بنیان (930 شرکت) تأییدشده توسط دفتر کارگروه ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان است. در گام نخست، فهرست و آدرس دقیق شرکت‌های دانش‌بنیان از این دفتر گرفته شد و آدرس‌های این شرکت‌ها از کتاب اول تهران استخراج و سپس مکان آن‌ها در نرم‌افزار *Google Earth* شناسایی و در ادامه بادقت بالا در نقشه‌ی شهری مقیاس 1:500 تهران در محیط *ArcGIS10.3.2* پیاده شدند. در ادامه، لایه‌های مربوط به شبکه‌ی معابر، کاربری زمین، ایستگاه‌های مترو، عناصر شاخص شهر تهران، قیمت املاک، تراکم جمعیت، منطقه‌بندی شهرداری، منطقه‌ی ویژه‌ی حمل‌ونقل و سایر داده‌های جغرافیایی از شهرداری تهران اخذ شده و در قالب پروژه‌ی تحلیل فضایی تعریف شدند؛ سپس با استفاده از فنون آمار فضایی که در ادامه معرفی شده‌اند، هریک از مؤلفه‌های پژوهش تحلیل و خروجی آن‌ها در بخش یافته‌ها ارائه شده‌اند.



شکل 1. قلمرو پژوهش (مأخذ: شهرداری تهران، 1394)

3-2. فنون تحلیل آمار فضایی¹

مهم‌ترین معیارهای تحلیل فضایی این پژوهش شامل تراکم، مجاورت و هم‌بستگی است که از طریق فنون آمار فضایی که در زیر بحث می‌شوند، استفاده شده است.

روش مرکز میانگین جغرافیایی²: این روش نقطه‌ی ثقل و مرکز جغرافیایی تراکم عوارض نقطه‌ای را می‌سنجد.

معادله‌ی (1)

$$\bar{X} = \frac{\sum_{i=1}^n x_i}{n}, \quad \bar{Y} = \frac{\sum_{i=1}^n y_i}{n}$$

که در آن X_i و y_i مختصات عارضه‌ی i و n مساوی با تعداد کل عوارض است (ESRI, 2015: ARCGIS Tutorial).

1. Spatial Statistics
2. Geographic Mean Center

روش مرکز میانه¹: مکان را که سبب کاهش فاصله‌ی اقلیدسی کل در ارتباط بین عوارض شده است را می‌سنجد.

معادله‌ی (2)

$$d_i^t = \sqrt{(X_i - X^t)^2 + (Y_i - Y^t)^2}$$

روش فاصله‌ی استاندارد²: درجه و چگونگی تمرکز یا عدم تمرکز و پراکنش عوارض در پیرامون میانگین جغرافیایی عوارض را می‌سنجد.

معادله‌ی (3)

$$SD = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (x_i - \bar{X})^2}{n} + \frac{\sum_{i=1}^n (y_i - \bar{Y})^2}{n}}$$

که در آن X_i و y_i مختصات عارضه‌ی i $\{X, Y\}$ مرکز میانگین عوارض و n مساوی با تعداد کل عوارض است (ESRI, 2015: ARCGIS Tutorial).

بیضی انحراف استاندارد³: چگونگی استقرار عوارض پیرامون میانگین جغرافیایی را سنجیده و نشان می‌دهد.

معادله‌ی (4)

$$SDE_x = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (x_i - \bar{X})^2}{n}}$$

$$SDE_y = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (y_i - \bar{Y})^2}{n}}$$

که در آن X_i و y_i مختصات عارضه‌ی i $\{X, Y\}$ مرکز میانگین عوارض و n مساوی با تعداد کل عوارض است (ESRI, 2015: ARCGIS Tutorial).

شاخص نزدیک‌ترین همسایه: شاخص نزدیک‌ترین همسایه⁴، ازجمله آزمون‌های خوشه‌بندی است که برای تعیین نوع پراکندگی پدیده‌ها از آن استفاده می‌شود؛ در نتیجه به‌کارگیری این روش، شاخصی به نام NR (نرخ مجاورت) به‌دست می‌آید که دامنه‌ی آن بین عدد صفر-

-
1. Geographic Median Center
 2. Standard Distance
 3. Directional Distribution Or Standard Deviation Ellipse
 4. Average Nearest Neighbor

2/15 متغیر است. این شاخص پراکندگی سکونت‌گاه‌ها و عناصر را در سطح ناحیه، جدا از عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن بیان می‌کند و در نتیجه، هرچقدر مقدار NR به صفر نزدیک‌تر باشد، نشانگر الگوی توزیع متراکم و خوشه‌ای و هرچه به 2/15 نزدیک‌تر باشد، بیانگر الگوی منظم است و عدد یک نیز بیان‌کننده‌ی الگوی تصادفی توزیع سکونت‌گاه‌هاست. شاخص نزدیک‌ترین همسایگی از رابطه‌ی زیر به‌دست می‌آید:

معادله‌ی (5)

$$ANN = \frac{\bar{D}_O}{\bar{D}_E}$$

که در آن $\bar{D}_O$ فاصله‌ی میانگین مشاهده‌شده در بین هرکدام از عوارض و نزدیک‌ترین همسایه‌ی آن‌هاست:

$$\bar{D}_O = \frac{\sum_{i=1}^n d_i}{n}$$

و $\bar{D}_E$ فاصله‌ی میانگین مورد انتظار بین هرکدام از عوارض در الگوی تصادفی است:

$$\bar{D}_E = \frac{0.5}{\sqrt{n/A}}$$

در معادله‌ی بالا D_i برابر است با فاصله‌ی مابین عارضه‌ی i با نزدیک‌ترین عارضه‌ی همسایه. N متناظر است با تعداد کل عوارض و A برابر است با حداقل سطح پوشش مستطیلی پیرامون کل عوارض یا ارزش سطح تعیین‌شده برای آن توسط کاربر. امتیاز Z برای میانگین نزدیک‌ترین همسایه به‌وسیله‌ی معادله‌ی زیر سنجیده می‌شود: (ESRI, 2015 and Scott and Janikas, 2010: 31).

$$z = \frac{\bar{D}_O - \bar{D}_E}{SE}$$

در جایی که:

$$SE = \frac{0.26136}{\sqrt{n/A}}$$

نتیجه‌ی این روش به‌صورت یک گزارش آماری استخراج و تبیین می‌شود.

روش تحلیل خوشه‌ای فضایی چندفاصله‌ای¹: از جمله روش‌های تحلیل آمار فضایی در GIS برای سنجش توزیع فضایی داده‌های جغرافیایی است که از آن با عنوان تابع *Ripley's K* نیز نام برده می‌شود. رقم آماره‌های به دست آمده با ضریب *K* نشان داده می‌شود. معادله‌ی (6)

$$L(d) = \sqrt{\frac{A \sum_{i=1}^n \sum_{j=1, j \neq i}^n k_{i,j}}{\pi n(n-1)}}$$

در این معادله *d* فاصله، *n* تعداد کل عوارض، *A* سطح کل عوارض، *k_{i,j}* وزن است. زمانی که فاصله‌ی بین *i* و *j* کمتر از *d* باشد، وزن برابر با 1 خواهد بود و اگر برعکس آن باشد به سمت صفر تمایل خواهد داشت. از این روش برای سنجش الگوی توزیع فضایی عوارض استفاده می‌شود (ESRI, 2015). در این روش چنانچه در یک فاصله‌ی جغرافیایی، مقدار *K* مشاهده شده بیشتر از مقدار پیش‌بینی شده باشد، الگوی توزیع فضایی به جای تصادفی، خوشه‌ای خواهد بود و اگر کمتر باشد، الگوی توزیع از نوع تصادفی خواهد بود.

شاخص خود هم‌بستگی فضایی موران²: شاخص خود هم‌بستگی فضایی موران یکی از بهترین شاخص‌ها برای تشخیص خوشه‌بندی عوارض است. این آماره تشخیص می‌دهد که آیا نواحی مجاور به‌طور کلی، ارزش‌های مشابه دارند یا خیر؟ ارزش موران بین 1 و -1 متغیر است. ارزش نزدیک به 1 نشان می‌دهد که به‌طور کلی، نواحی دارای ارزش‌های مشابه (بالا یا پایین)، الگویی خوشه‌ای دارند و ارزش نزدیک به -1 نشان می‌دهد که به‌طور کلی، نواحی دارای ارزش‌های غیرمشابه در کنار یکدیگر قرار دارند و ارزش صفر نیز نشان‌دهنده‌ی الگویی تصادفی است. هر چقدر ارزش شاخص به سمت مثبت و بالا باشد، نشان‌دهنده‌ی الگوی خوشه‌ای، عدد صفر تصادفی بودن و اعداد منفی نشان‌دهنده‌ی الگوی پراکنده است (Esri, 2015). شاخص موران مطابق رابطه‌ی ذیل تعریف می‌شود:

1. Multi Distance Spatial Cluster Analysis "Mdsca"
2. Spatial Autocorrelation (Morans I)



معادله‌ی (7)

$$I = \frac{n \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n w_{ij} (x_i - \bar{x})(x_j - \bar{x})}{(\sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n w_{ij}) \sum_{i=1}^n (x_i - \bar{x})^2}$$

که در آن n تعداد مشاهدات، x_i مقدار متغیر در ناحیه‌ی i ، x_j مقدار متغیر در ناحیه‌ی j ، x میانگین متغیر در کلیه‌ی نواحی و w_{ij} وزن به کاررفته برای مقایسه‌ی دو ناحیه‌ی i و j است (ESRI, 2015). اگر $I > \frac{-1}{M-1}$ باشد، خودهم‌بستگی فضایی مثبت است. اگر $I = \frac{-1}{M-1}$ باشد، خودهم‌بستگی وجود ندارد و اگر $I < \frac{-1}{M-1}$ باشد، خودهم‌بستگی فضایی منفی است (Izabella, Zsófia: 2011: 7).

رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی: این روش از جمله روش‌های مدل‌سازی روابط فضایی در GIS است که در بیشتر پژوهش‌های جغرافیایی کاربرد دارد. مدل رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی¹ (GWR) گسترش‌یافته‌ی چارچوب رگرسیون عمومی است و جوهره‌ی اصلی GWR به صورت زیر است:

معادله‌ی (8)

$$y_i = \beta_0(u_i, v_i) + \sum_{k=1}^p \beta_k(u_i, v_i) X_{ik} + \epsilon_i \quad i=1,2,\dots,n$$

جایی که (u_i, v_i) مختصات i امین نقطه در فضا را تشکیل می‌دهد تابعی $\beta_k(u_i, v_i)$ پیوسته از $k(u, v)\beta$ در هر نقطه i است متغیرهای توضیحی در نقطه‌ی i $X_{i1}, \dots, X_{ip}$ و ϵ_i جزو خطاست. برای مجموعه‌ی داده‌های داده‌شده پارامترهای منطقه‌ای با استفاده از مراحل حداقل مربعات وزن‌دار تخمین زده می‌شود. وزن‌های w_{ij} برای $i=1,2,\dots,n$ در هر موقعیت (u_i, v_i) به عنوان تابع پیوسته‌ای از فواصل بین نقاط i و دیگر نقاط داده‌ای به دست می‌آیند (ESRI, 2015).

1. Geographically Weighted Regression (GWR)

روش مجاورت¹ (همسایگی): روش مجاورت متشکل از توابع چندگانه‌ای برای تعیین روابط همسایگی و ارتباط مکانی عوارض و تعیین شعاع پوشش و حریم عوارض است. سایر روش‌ها مانند تراکم نقطه‌ای کرنل، روش نقاط داغ و تراکم نقطه‌ای ساده نیز در این پژوهش استفاده شده‌اند که به‌دلیل محدودیت از شرح آن‌ها خودداری می‌شود.

3. یافته‌ها و بحث

تراکم شرکت‌ها

در پاسخ به پرسش اول پژوهش، فراوانی و تحلیل مکانی تراکم نقطه‌ای شرکت‌های دانش‌بنیان به روش کرنل نشان می‌دهد که به‌ترتیب مناطق 6، 3، 7، 2 و 1 کانون‌های اصلی و مراکز راهبردی انباشتگی شرکت‌های دانش‌بنیان تهران هستند (شکل 2- الف و ب). جدول 2، فراوانی شرکت‌ها به تفکیک مناطق 22 گانه‌ی شهرداری کلانشهر تهران را نشان می‌دهد.

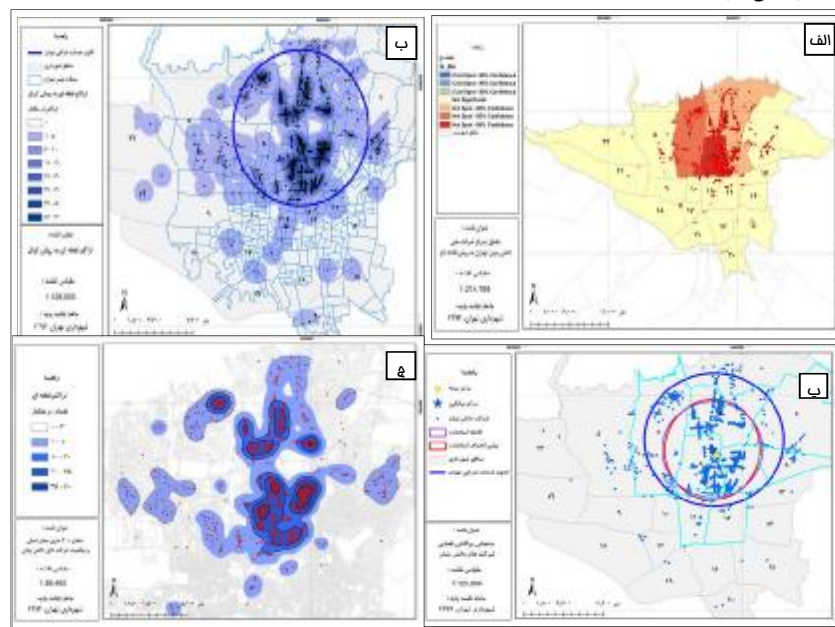
جدول 2. فراوانی شرکت‌های دانش‌بنیان به تفکیک مناطق 22 گانه‌ی شهرداری کلانشهر تهران، 1394

منطقه‌ی شهرداری	فراوانی توزیع شرکت‌ها	منطقه‌ی شهرداری	فراوانی توزیع شرکت‌ها
1	34	12	19
2	101	13	3
3	228	14	2
4	31	15	2
5	25	16	1
6	247	17	1
7	184	18	3
8	13	19	2
9	2	20	2
10	5	21	2
11	21	22	2
	جمع		930

مأخذ: یافته‌های پژوهش، 1394

1. Proximity

تحليل مكاني شركت‌ها به روش مركز ميانه و مركز ميانگين توزيع جغرافيايى، نشان مى‌دهند كه منطقه‌ى 6 تهران مركز ميانه و ميانگين جغرافيايى استقرار شركت‌هاى دانش‌بنيان است. تحليل نقاط به روش بيضى انحراف استاندارد و فاصله‌ى استاندارد نشان مى‌دهند كه مناطق 3، 6، 7 كانون و مناطق راهبردى تمرکز شركت‌هاى دانش‌بنيان تهران هستند. ديگر مناطق شامل مناطق 2، 4، 11، 12، 8 و 1 ديگر مناطقى هستند كه شركت‌ها به سمت آن‌ها در حركت بوده‌اند. ساير مناطق كلانشهر تهران، به‌ويژه مناطق جنوبى شهر، كاملاً خارج از بيضى انحراف استاندارد قرار دارند و اين مسئله نشان مى‌دهد كه شركت‌هاى دانش‌بنيان در روند مكاني حركت خود، به سمت اين مناطق پيش نمى‌روند و كجى بيضى به سمت مناطق شمالى است (شكل 2).



شكل 2. الف) تراكم منطقه‌اى شركت‌ها به روش نقاط داغ؛ ب) سنجش تراكم نقطه‌اى شركت به روش تراكم نقطه‌اى؛ پ) الگوى حركت شركت‌ها به روش بيضى انحراف استاندارد؛ ج) الگوى خوشه‌اى پراكش شركت‌ها به روش كرنل.

الگوی توزیع فضایی

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش شاخص میانگین نزدیک‌ترین همسایه نشان می‌دهد که مقدار میانگین فاصله‌ی مشاهده‌شده 151 و فاصله‌ی میانگین پیش‌بینی‌شده، 358,2 و نرخ نزدیک‌ترین همسایه 0,42، مقدار Z ، 33,6- و مقدار P صفر است. همچنین نتایج استفاده از روش شاخص خودهم‌بستگی فضایی نشان می‌دهد که مقدار شاخص موران 0,75، شاخص پیش‌بینی‌شده معادل 0,001-، واریانس معادل 0,00056، مقدار Z مساوی با 31,6 و ارزش P کمتر 0,05 است و بنابراین، خودهم‌بستگی از نوع مثبت و قوی است. نتایج این آماره‌ها و مقدار شاخص موران که به عدد 1 نزدیک‌تر است، نشان می‌دهند که الگوی توزیع فضایی شرکت‌های دانش‌بنیان از نوع خوشه‌ای کامل و شدید است. همچنین نتایج شاخص تحلیل خوشه‌ای فضایی نشان می‌دهد که مقدار ارزش عددی K در قلمرو پژوهش در تمام عوارض نقطه‌ای بیش از مقدار پیش‌بینی‌شده‌ی آن است که این موضوع نیز خوشه‌ای بودن الگوی توزیع شرکت‌ها را نشان می‌دهد (جدول 3).

جدول 3. مقدار $L(D)$ یا شاخص K برای تعیین الگوی فضایی پراکنش شرکت‌ها

تفاوت مقدار K	مقدار مشاهده‌شده	مقدار پیش‌بینی‌شده	کد عوارض
1320.49	1903.77	583.28	1
1910.44	3077.00	1166.56	2
2347.65	4097.49	1749.84	3
2815.43	5148.55	2333.11	4
3192.12	6108.52	2916.39	5
3411.27	6910.95	3499.67	6
3592.22	7675.17	4082.95	7
3658.28	8324.51	4666.23	8
3633.08	8882.59	5249.51	9
3575.46	9408.25	5832.79	10

مأخذ: نگارنده، استخراج از روش $L(D)$

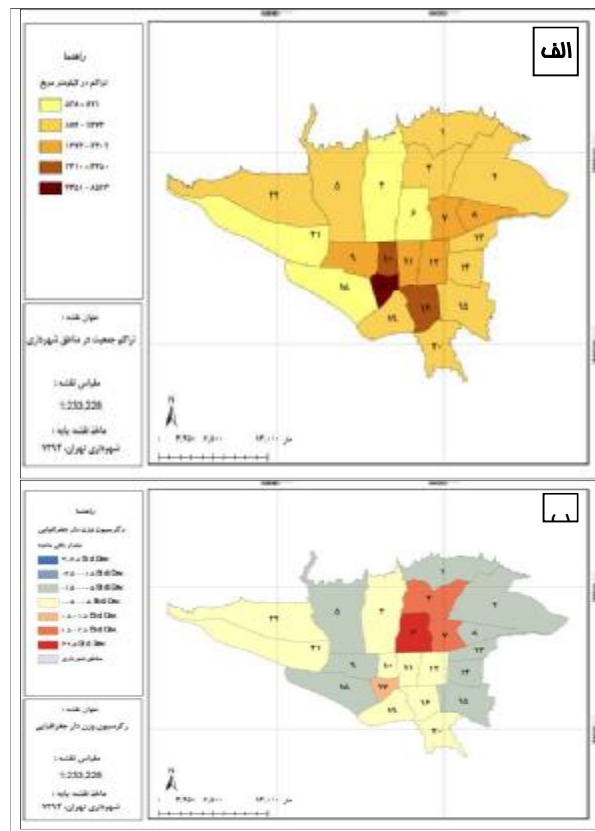
در پاسخ به پرسش سوم پژوهش، یافته‌های به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌شرح عناوین و توضیحات زیر ارائه شده‌اند.



رابطه‌ی بین تراکم جمعیت و تراکم فضایی شرکت‌ها

نتایج استفاده از روش رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی¹ نشان می‌دهد که بین تراکم جمعیت با تراکم شرکت‌ها در مناطق کلانشهر تهران ارتباط معنی‌داری نیست. نتایج رگرسیون در دو سطح باقی‌مانده (*Residual*) و پیش‌بینی‌شده (*Predicted*) در شکل 3 الف و ب نشان داده شده است. مقدار باقی‌مانده، اطلاعات مربوط به میزان تغییرات متغیر وابسته (تراکم شرکت‌ها) از طریق متغیر مستقل (جمعیت) از تفاضل بین مقدار مشاهده‌شده و مقدار پیش‌بینی‌شده‌ی متغیر پژوهش (در اینجا تعداد شرکت‌ها) میزان باقی‌مانده به‌دست می‌آید. مقدار باقی‌مانده در رابطه با توزیع شرکت‌ها چنانچه مثبت باشد، نشان می‌دهد که رگرسیون وزنی جغرافیایی تعداد شرکت‌ها را بیشتر از مقدار پیش‌بینی‌شده در ارتباط با متغیر مستقل محاسبه کرده و اگر منفی باشد به‌معنای این است که متغیر مستقل نتوانسته است در تغییرات متغیر وابسته (شرکت‌ها) مؤثر باشد. در محاسبات مدل‌سازی روابط فضایی و مدل رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی مقدار R^2 0,34 و مقدار R^2 Adjusted یا باقی‌مانده‌ی تعدیل‌شده برابر 0,17 است که نشان می‌دهد ارتباط معنی‌داری بین تراکم جمعیت با تراکم فضایی شرکت‌های دانش‌بنیان در بیشتر مناطق وجود ندارد. همان‌طوری که شکل 3 - الف، نشان می‌دهد، اغلب مناطق کلانشهر تهران که بیشترین جمعیت را دارند، از نظر تراکم فضایی پیش‌بینی‌شده برای استقرار شرکت‌ها، کم‌تراکم هستند (شکل 3 - ب) و منطقه‌ی 6 که کمترین نسبت تراکم جمعیت ساکن را دارد، بالاترین میزان تراکم شرکتی را دارد. این منطقه، در کانون خدمات شرکتی کلانشهر تهران قرار دارد (محمدي و دیگران، 1390).

1. Geographically Weighted Regression



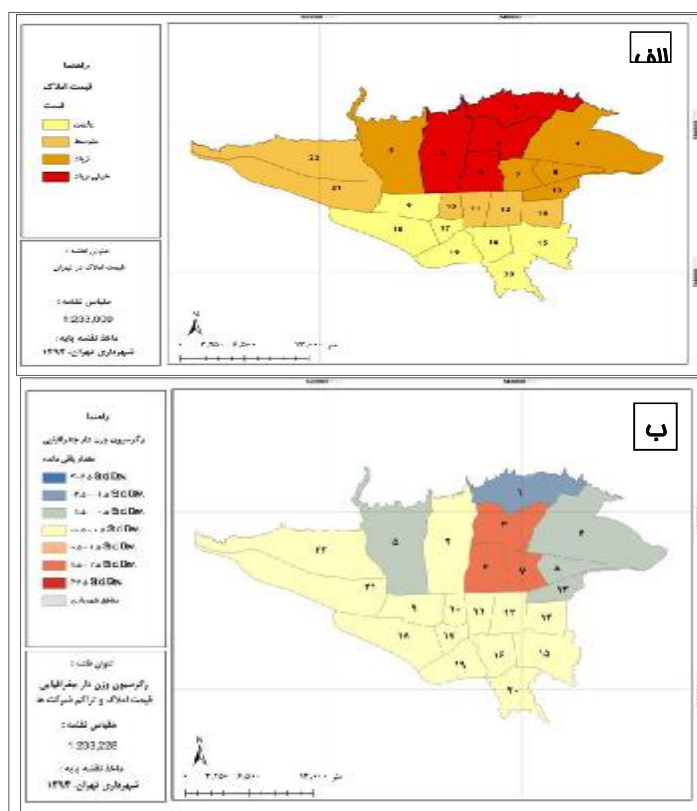
شکل 3. الف) تراکم جمعیت در کیلومتر مربع؛ ب) رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی (GWR) و مدل‌سازی روابط فضایی (MSR)

رابطه‌ی بین قیمت املاک و تراکم فضایی شرکت‌ها

نتایج محاسبات مدل‌سازی روابط فضایی و مدل رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی مقدار R^2 ، 0,46 و مقدار R^2 Adjusted یا باقی‌مانده‌ی تعدیل‌شده برابر 0,43 است که نشان می‌دهند که ارتباط معنی‌داری بین قیمت زمین با استقرار مکانی شرکت‌ها وجود ندارد. همان‌طوری که شکل 4 - الف، نشان می‌دهد در بیشتر مناطق کلانشهر تهران، که قیمت زمین متوسط به بالاست، تراکم فضایی پیش‌بینی‌شده‌ی شرکت‌ها کاملاً پایین است (شکل 4 - ب). تنها برخی از مناطق مانند 1، 3، 6 و 7 هستند که با بالا رفتن قیمت املاک، تراکم فضایی شرکت‌ها نیز در

مهدی صرافعی و همکار  تحلیل الگوی فضایی توزیع شرکت‌های ...

آن‌ها بالا رفته است و از آنجایی که رگرسیون تنها هم‌سویی و رابطه‌ی خطی را نشان می‌دهد، به دلایل این تمرکز مانند عامل کیفیت بالای محیطی نمی‌پردازد.



شکل 4 الف) ارزش املاک در مناطق شهری؛ ب) آزمون رگرسیون وزن دار جغرافیایی (GWR)

ارتباط بین زیرساخت حمل‌ونقل و تراکم شرکت‌ها

نتایج تحلیل‌های فضایی مجاورت (*Proximity*) و تعیین شعاع پوشش خدمات‌دهی ایستگاه‌های متروی تهران نشان می‌دهد که نزدیک به هشتاد درصد از شرکت‌های دانش‌بنیان در نحوه‌ی قرارگیری خود به موضوع حمل‌ونقل توجه ویژه‌ای دارند؛ به‌ویژه اینکه چون صد درصد این شرکت‌ها زمانی تأسیس شده‌اند که خطوط مترو در تهران دایر بوده است؛ بنابراین

برای درک اهمیت موضوع درکنار معیار معابر اصلی شهر تهران، از این معیار برای بررسی ارتباط بین زیرساخت حمل‌ونقل و تمرکز فضایی شرکت‌ها استفاده شد. نتایج استفاده از روش تعیین حوزه‌ی پوشش (*Buffering*) نشان داد که حدود چهارصد شرکت از 930 شرکت دانش‌بنیان در حریم پانصد متری و هفتصد شرکت نیز در حریم هزار متری حوزه‌ی پوشش خدمات‌دهی ایستگاه‌های مترو مستقر شده‌اند (شکل 5-الف)؛ از این‌رو ارتباط بالا و معنی‌داری بین تمرکز شرکتی با زیرساخت حمل‌ونقل پیشرفته وجود دارد. البته زیرساخت حمل‌ونقل، تنها یکی از عوامل در تعیین مکان استقرار است. همچنین تحلیل حریم حلقه‌ای چندگانه¹ برای شبکه‌ی اصلی زیرساخت حمل‌ونقل کلانشهر تهران نشان داد که در حدود 750 شرکت کاملاً در شعاع و حریم دویست متری از شبکه‌ی معابر اصلی، که حمل‌ونقل عمومی و خطوط اتوبوسرانی سریع در آن در جریان است، مکان گزیده‌اند (شکل 4-پ).

ارتباط بین کاربری زمین و تراکم شرکت‌ها

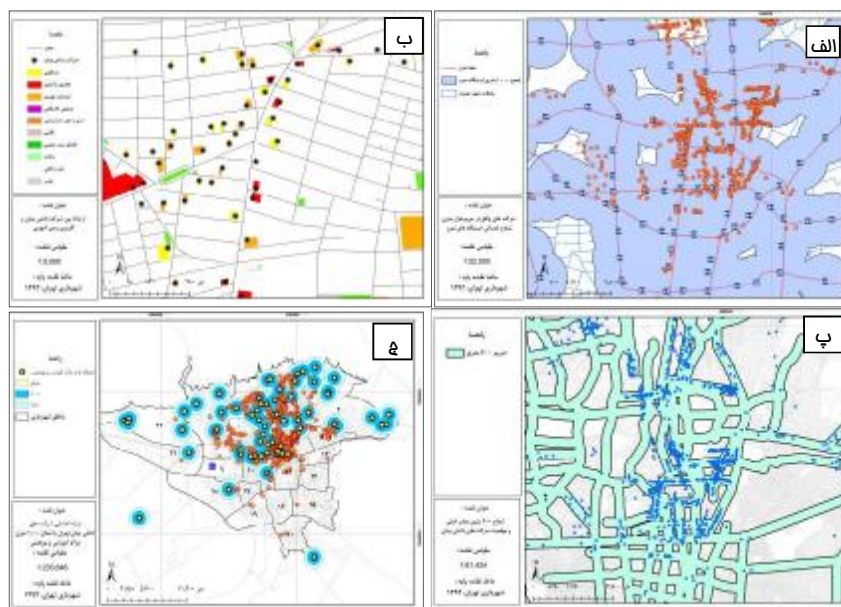
نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش انتخاب ازطریق ویژگی‌های مکانی نشان می‌دهند که از حدود 93 شرکت، بیش از ششصد شرکت در کاربری‌های مسکونی و یا مختلط مسکونی استقرار یافته‌اند. به‌ترتیب کاربری‌های اداری، خدماتی و تجاری از دیگر کاربری‌های عمده‌ای هستند. این مسئله نشان می‌دهد که هیچ‌گونه برنامه‌ریزی فضایی با رویکرد به خدمات پیشرفته و دانش‌بنیان وجود ندارد. شرکت‌ها اغلب با توجه به ویژگی‌های موجود دست به انتخاب زده‌اند و هیچ شرکتی براساس ضوابط و مقررات شهری، ازجمله رعایت ضوابط کاربری‌ها، عمل نکرده است (شکل 5-ب).

ارتباط بین مراکز آموزشی و پژوهشی پیشرفته و تراکم شرکت‌ها

نتایج تحلیل داده‌ها به روش همسایگی، نشان می‌دهد که از بین حدود نود عنصر شاخص شامل دانشگاه‌های دولتی و مراکز آموزشی و پژوهشی پیشرفته، بیش از چهل مورد (پنجاه درصد) از این دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی در محدوده‌ی کانون خدمات شرکتی تهران قرار دارند. از بین تمامی شرکت‌های دانش‌بنیان، حدود 760 شرکت معادل 81 درصد در داخل شعاع 1000-1500 متری از مراکز آموزشی و پژوهشی تهران، ازجمله دانشگاه‌های دولتی علم

1. Multiple Ring Buffer

و صنعت، تهران، شريف، اميركبير، مدرس، شهيد بهشتى و ساير مراكز مهم تحقيقاتى دولتى مهم استقرار يافته‌اند. براى نمونه، تنها حدود صد شرکت نوپاى دانش‌بنيان در حريم دوهزار متری از دانشگاه تهران، كه به‌صورت پياده و سواره و با لوازم حمل‌ونقل عمومى قابل دسترس است، مستقر شده‌اند (شكل 5-ج).



شكل 4 الف) شعاع ايستگاه مترو؛ ب) کاربري زمين؛ پ) زيرساخت معابر؛ ج) مراكز علمى و پژوهشى همان‌گونه كه يافته‌هاى پژوهش نشان دادند، شرکت‌هاى دانش‌بنيان در كانون خدمات پيشرفته‌ى شركتى و به‌عبارتى مركز اقتصاد پسا صنعتى تهران قرار گرفته‌اند (شكل 5-ج).

4. بحث

يافته‌هاى اين پژوهش با نتايج پژوهش پويگ و همكاران (2012) درباره‌ى خوشه‌اى شدن و مجاورت جغرافيايى، همسويى دارد. همچنين با نتايج پژوهش ليم (2003) و نتايج پژوهش هويى و هويو (2015) و نتايج پژوهش ليپراس و استفان (2008) در ارتباط با خوشه‌اى شدن و انباشتنى الگوى توزيع فضايى شرکت‌ها و تمايل آن‌ها براى استقرار در مجاورت تسهيلات عمومى و نيز مجاورت جغرافيايى شرکت‌ها به يکديگر براى ترايد هم‌افزاى در فرايند توليد، همسويى دارد. همچنين يافته‌هاى اين پژوهش با نتايج مطالعات هويى و هويو (2015) مبنى‌بر

ارتباط تمرکز شرکت‌ها با کیفیت محیطی فضاهای شهری همسویی دارد، در ادامه باتوجه به تمرکز شرکت‌ها در مجاورت زیرساخت‌های پایه، همانند شبکه‌ی سریع حمل‌ونقل، یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش لوپز و پائز (2014)، مبنی بر تأثیر عوامل زیرساختی همانند شبکه‌ی ارتباطی و دسترسی در مکان‌گزینی شرکت‌های دانش‌بنیان، همسویی دارد. در ادامه باتوجه به تمرکز شرکت‌های دانش‌بنیان در کانون خدمات شرکتی و بخش اداری کلانشهر تهران، یافته‌های این پژوهش نظرات بابتیستا و مندونجا (2010)، مبنی بر تمایل شرکت‌ها برای تمرکز در مجاورت سازمان‌ها و ادارات و تولیدکنندگان و شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی پیشرفته را تأیید می‌کند. از آنجایی که هنوز در کلانشهر تهران، شرکت‌های دانش‌بنیان از نظر فضایی از یکدیگر تفکیک نشده‌اند و در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ بنابراین نظرات برینخوف، مبنی بر هم‌پوشانی شرکت‌های دانش‌بنیان از نظر الگوی فضایی در کلانشهر تهران نیز مورد تأیید است. پژوهش آن‌ها نشان داد که نزدیکی به مؤسسات آموزشی و پژوهشی و شرکای محلی، نقش مهمی در نوآوری و ارائه‌ی خدمات دارد. باتوجه به ارتباط بسیار قوی بین تمرکز شرکت‌های دانش‌بنیان در مجاورت مؤسسات آموزشی و پژوهشی، یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات لیپراس و استفان (2008)، همسویی دارد. در پایان یافته‌های این پژوهش نتایج پژوهش محمدی، صرافی و توکلی‌نیا (1391)، در پژوهش خود درخصوص خدمات پیشرفته‌ی کلانشهر تهران، مبنی بر استقرار شرکت‌های خدماتی پیشرفته در یک «کانون خدمات پیشرفته‌ی شرکتی» را تأیید می‌کند.

5. نتیجه‌گیری

به‌دنبال سرعت‌گرفتن شکل‌گیری شرکت‌های ارائه‌دهنده‌ی خدمات پیشرفته از دهه‌ی 1380 ه.ش به‌تدریج از 1389، شرکت‌های دانش‌بنیان به‌سرعت در جغرافیای کلانشهر تهران شکل گرفتند. در نبود یک برنامه‌ی راهبردی و فضایی شهری، بیشتر آن‌ها بنابر ضرورت‌های نظام بازار آزاد، تصمیم به انتخاب‌های مکانی زده‌اند؛ از آن‌جمله در مکان‌گزینی‌ها به شبکه‌ی ارتباطی، مجاورت با نهادها و عناصر شاخص همانند مراکز علمی و پژوهشی، ادارات دولتی، شبکه‌ی زیرساختی، به‌ویژه حمل‌ونقل سریع، مناطق جغرافیایی مناسب از نظر ویژگی‌های محیطی و مرکزیت جغرافیای اقتصادی کلانشهر توجه داشته‌اند. این نتیجه نیز به‌دست آمد که تراکم جمعیت یا ارزش املاک و یا ضوابط و مقررات طرح‌های شهرسازی و پهنه‌بندی نوع کاربری زمین مسکونی، در انتخاب‌های مکانی این شرکت‌ها تأثیرگذار نبوده‌اند. باتوجه به



- مؤلفه‌هاى بررسى شده مى‌توان از دیدگاه برنامه‌ريزى فضايى، پيشنهادهات زير را براى نهاد مديريت شهرى جهت نظر برنامه‌ريزى فضايى مرتبط با شركت‌هاى دانش‌بنيان مطرح كرد:
- باتوجه به تراكم بالاى شركت‌ها در مناطق شمال شهر تهران و تمايل شركت‌ها براى استقرار در اين مناطق، برنامه‌ريزى فضايى ازجمله ضوابط ساختمانى و کاربرى زمين در راستاى تسهيل فعاليت اين شركت‌ها و سازگارى آن با ساير کاربرى‌ها الزامى است.
 - باتوجه به ماهيت خوشه‌اى توزيع فضايى شركت‌ها، شناخت خوشه‌ها و تأمين زيرساخت‌ها و تسهيلات لازم براى فعاليت هريك از خوشه‌ها ضرورى است.
 - باتوجه به تبعيت شركت‌ها از كيفيت محيطى و نه تراكم جمعيتى، ايجاد فضاى مناسب براى شركت‌ها از نظر محيطى، به كارآيى آن‌ها كمك خواهد كرد.
 - باتوجه به ارتباط معنى‌دار بين زيرساخت حمل‌ونقل و تراكم شركت‌ها، سياست‌هاى جارى شهردارى تهران در زمينه‌ى حمل‌ونقل عمومى و تداوم آن در فعاليت و افزايش بهره‌ورى شركت‌ها تأثيرگذار خواهد بود.
 - باتوجه به اختلاط مكان شركت‌ها با کاربرى‌هاى مسكونى، تأمين مجوزها و فضاهاى ادارى مناسب با فعاليت شركت‌ها و درعين حال، تهيه‌ى اطلاعات مكانى دقيق از مكان شركت‌ها براى سامان‌دهى آن‌ها ضرورى است.
 - باتوجه به ارتباط معنى‌دار بين مراكز علمى و پژوهشى و تراكم شركت‌ها، برنامه‌ريزى فضايى براى تقويت اين روابط و تأمين فضاهاى پيرامونى و توجه به اين موضوع در طرح‌هاى فضايى توسعه‌ى شهرى الزامى است.
- پايان سخن اينكه به‌رغم سرعت گرفتن شكل‌گيرى خدمات پيشرفته و دانش‌بنيان در جغرافياى شهر تهران، برنامه‌ريزى فضايى در اين زمينه وجود ندارد و اين شركت‌ها در نبود يك برنامه‌ى فضايى مبتنى بر اقتصاد نوين شكل گرفته‌اند؛ بنابراین ضرورى است در فرايند برنامه‌ريزى شهر تهران، به اين موضوع توجه جدى شود.

6. منابع

- احمد آخوندى، عباس، ناصر برک‌پور، ايرج اسدى، حبيب‌اله طاهرخانى، ميثم بصيرت و گلزار زندى، «حاکميت شهر - منطقه‌ى تهران: چالش‌ها و روندها»، نشرى‌ه‌ى هنرهاى زيبا، ش 29، صص 5- 16، 1386.
- شهردارى تهران، «آمارنامه‌ى شهر تهران»، 1392.

- صرافى، مظفر، «پایداری شهر در جایگاه جهانی و فرامنطقه‌ای»، در منشور شهر تهران، شورای اسلامی شهر تهران، 1380.
- صرافى، مظفر، «شهری‌شدن جهان و جهانی‌شدن شهرها: طرح مسئله‌ای برای جنوب»، اطلاعات اقتصادی و سیاسی، مرداد و شهریور، ش 155 و 156، صص 164-167، 1379.
- کارگروه ارزیابی صلاحیت شرکت‌های دانش‌بنیان، «فهرست شرکت‌های دانش‌بنیان»، 1394.
- مجلس شورای اسلامی، «مصوبه‌ی حمایت از تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان»، پورتال مجلس شورای اسلامی، 1389.
- محمدی، علیرضا «جغرافیای شرکتی». چاپ نخست، انتشارات آذرخش، 1392.
- محمدی، علیرضا. صرافى، مظفر. توکلی‌نیا، جمیله، «جغرافیای شرکتی خدمات پیشرفته‌ی پشتیبان تولید. مطالعه‌ی موردی: کلانشهر تهران»، مطالعات شهری، ش 1، صص 23-39، 1390.
- مرکز آمار ایران. «سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان تهران»، 1390.
- Akhoundi, A. Barakpour, N. Asadi, I. Taherkhani, H. Basirat, M and Zandi, G, Governance of Tehran City- Region: Challenges and Trends, Journal of Honar-ha-Ye Ziba, Vol. 29, 5-16, 2007. [In Persian]
- Alireza Mohammadi; Mozafar Sarafi; Jamileh Tavakoli Nia, The Corporate Geography of Advanced Producer Services: A Case study of Tehran Metropolis, Volume 1, Issue 1, winter, Page 23-39, 2012. [In Persian]
- Andersson, M. (2006). Co-location of Manufacturing and Producer Services, In: Karlsson, C. Johansson, B. & Stough, R. R. (eds), Entrepreneurship and Dynamics in the Knowledge Economy. 2006, Routledge, NY. 94-124.
- Aranya, R. (2005). Location Theory in Reverse: An Evolutionary Model of Location for Global Production in the IT Industry of Bangalore. Environment and Planning A, 40 (2), 446-463.
- Baptista, R., Mendonça, J. (2014). Proximity to Knowledge Sources and the Location of Knowledge Based Start-ups. The Annals of Regional Science, August, Vol 45, N 1, 5-29.
- Brinkhoff, S. (2006). Spatial Concentration of Creative Industries in Los Angeles. Thesis submitted for Diploma. Humboldt-Universität zu Berlin.

- Coffey, W., Bailly, A. (1991). Producer services and flexible production: an exploratory analysis, *Growth and Change*, N 22, 95-117.
- Committee for Evaluation of Knowledge Based Firms Competency, Knowledge Based Firms List, 2016.[In Persian]
- Davis, J. C., Henderson, J. V. (2004). The agglomeration of headquarters. Working Paper, Brown University, <http://www.econ.brown.edu>, Accessed on 12 June, 2006.
- ESRI (2015). ARCGIS online Help.URL: <http://doc.arcgis.com/en/arcgis-online/>. Accessed on 2015-01- 10.
- Ferguson, M. (1997). The Location Decisions of Producer Services in a Commercially Transformed Area. Carleton University. Department of Geography. For the degree of master in Arts.
- Goe R, W (1990). Producer services, trade and the social division of labor, *Regional Studies* 24, 327-42.
- Hansen, J. F., Clasen J. K. (2010) The Economic Significance Of Maritime Clusters Lessons Learned From European Empirical Research. Working Paper Published By the Danish Ship Owners' Association.
- Huallachain, O., Leslie, F. (2007).Producer Services in the Urban Core and Suburbs of Phoenix, Arizona. *Urban Studies*, Vol. 44, No. 8, 1581-1601.
- Hui, Y. H., Hsiu C., C . (2015). Clustering of Tea Processing Industry Based on GIS Analysis. *International Journal of Agricultural Sciences and Natural Resources*. Vol. 2, No. 3, 2015, 58-66.
- Islamic Council Parliament, Regulation of Knowledge Based Firms and Institutions Foundation. 2010. [In Persian]
- Izabella, S. K., Zsófia, V. (2011). Analyzing spatial distribution of knowledge-intensive industries in Hungary at sub-regional level. ERSA conference paper. <http://www.sre.wu.ac.at/ersa/ersaconfs/ersa10/ERSA2010finalpaper1208.pdf>.
- Jacobs, W., Koster, H.R.A. and Hall, P.V. (2010).The Location and Global Network Structure of Maritime Advanced Producer Services. (<http://www.lboro.ac.uk/gawc/rb/rb342.html>). Accessed on May 30, 2012.

- Kantola, J. (2007). Market Potential Analysis of Producer Services A study of Jonkoping County. Jonkpoing International Business School, Jonkpoing University. Master Thesis in Economics.
- Kuah, A. T.H. (2002). Cluster Theory And Practice: Advantages For The Small Business Locating In A Vibrant Cluster. Journal Of Research In Marketing And Entrepreneurship: Volume Four, Issue 3, 206- 228.
- Lejpras, A., Stephan, A. (2008). Locational Conditions, Cooperation, and Innovativeness: Evidence from Research and Company Spin-Offs.
http://www.diw.de/english/products/publications/discussion_papers/27539.html.
- Lim, U. (2003). The Spatial Distribution of Innovative Activity in U.S. Metropolitan Areas: Evidence from Patent Data. The Journal of Regional Analysis Policy. Vol. 33, No.2, 97-126.
- Lindahl, D. P., Beyers, W. B. (1999).The Creation of Competitive Advantage by Producer Service Establishments. Economic Geography, 75, 1-20. (<http://onlinelibrary.wiley.com>.
<http://www.lboro.ac.uk/gawc/rb/rb71.html> .Accessed on 10 January, 2011.
- López, F. A., Pérez, A. (2014). Spatial Clustering and Size of High-Tech Industry and Knowledge-Intensive Service firms in the Greater Toronto Area. International Conference on Regional Science November 2014.
- Madanipour, A. (1998).Tehran: The Making of a Metropolis. New York: John Wiley & Sons.
- Madanipour, A. (1999).City Profile: Tehran. In: Cities, Vol. 16, No. 1, 57-65.
- Mas V, F., Wensley, A., Alba, M. and Garcia, J.M. (2011), How Much Does KIBS Contribute To The Generation And Diffusion Of Innovation?, Service Business, Vol. 5 No. 3, 195-212.
- Mohammadi, Alireza, an Introduction to Corporate Geography. Azerakhsh Publication, Tehran, 2013. [In Persian]
- Mota, I., Brandao, A. (2005). Modeling Location Decisions - The role of R&D activities.
<http://ideas.repec.org/p/wiw/wiwsa/ersa05p612>. Pdf. Accessed on 30 May, 2012.

- Moulaert, F., Todtling, F. (Eds.) (1995). The Geography of Advanced Producer Services in Europe, , Pergamon, Oxford, Progress in Planning, Vol. 43. No. 2-3, 193-195
- Moulaert, F. Gallouj, C (1993). The Locational Geography of Advanced Producer Service Firms: The Limits of Economies of Agglomeration. The Service Industries Journal, 1743-9507, Vol. 13, Issue 2, 91-106.
- Moulaert, F., Gallouj, C (1995). Advanced Producer Services in the French Space Economy: Decentralization at the Highest Level. Progress in Planning, Vol.43, 139-154.
- Pereira, R.A.O., Derudder, B. (2008). An Appraisal of the Determinants of Connectivity Change in the World City Network. <http://www.lboro.ac.uk/gawc/rb/rb304.html>, Last Accessed on June 03, 2012.
- Puig, A.B., Vera, J.B., Verdu, F. M. (2012). Trade Areas and Knowledge-Intensive Services: The Case of A Technology Centre. Management Decision, Vol. 50 No. 8, 1412-1424.
- Rocco, R. (2006). The Geography of Advanced Producer Services: New Corporate Centralities in Polycentric Urban Structures. IN COSTA, P., PIRES, I., TEIXEIRA, J. A. & PIRES, P. (Eds.) VVI International Conference of RESER. Lisbon, ISCTE/ RESER. <http://www.bk.tudelft.nl>, last accessed on 12 July, 2010.
- Ryan, S., G. (2003). Innovation and High-Technology Producer Services: Evidence from Twin Cities Firms. Thesis for the Degree of Master in Urban and regional Planning Submitted to The Faculty of the graduate School of the University of Minnesota. <http://www.hhh.umn.edu> last accessed on May 12, 2011.
- Sarrafi, M. (2001). Urbanization of World and Globalization of Cities; question design for "South". In: Journal of Political and Economic Information. Vol. 155-156, 164-167. [In Persian]
- Sarrafi, M. (2002). City Sustainability in Global and Trans-Regional Situation, Fundamental Research on Tehran Agenda Report. Scientific Secretariat of Tehran Agenda Committee Publication .Vol. 2, 385- 408. 2002. [In Persian]
- Sassen, S. (2001).The Global City: New York, London, Tokyo, New York, Second Edition, Princetown University Press.

- Schricke, E. (2013). Occurrence of cluster structures in knowledge-intensive services. Fraunhofer Institute for Systems. Working Paper.
- Scott, L. M. Janikas, M, V. (2010). Spatial Statistics in Arc GIS. In: Handbook of Applied Spatial Analysis Software Tools. Fischer, M.M., Getis, A. (Eds.), 27-41.
- Shearmur, R, Doloreux, D. (2008). Urban Hierarchy or Local Buzz? High-Order Producer Service and (or) Knowledge-Intensive Business Service Location in Canada, 1991–2001. The Professional Geographer, Vol. 60, No. 3, 1-23.
- Statistical Center of Iran, Tehran's Population and Housing General Census Report, 2011. [In Persian]
- Tehran Municipality), (2012). Tehran Statistics and Information Services Center, 2012. [In Persian]
- Young, K., D. (2000).The Locational Characteristics of Agglomeration Areas of Advanced Producer Services in Seoul: Advertising-Related Industry. Journal of the Korean Geographical Society.Vol.35.No.5. 731-734.